

« تعریف حقوق تجارت »

حقوق تجارت چیست؟ حقوق تجارت تعاریف متعددی دارد که در واقع همگی معطوف به یک مفهوم هستند، حقوق تجارت قوانین و مقررات حاکم بر روابط تجار با یکدیگر، تاجر با شرکت های تجاری و قوانین حاکم بر معاملات و مناسبات تجاری است.

حقوق تجارت را در کدام دسته می توان قرار داد، حقوق عمومی یا حقوق خصوصی؟

حقوق تجارت در جایی که روابط تاجر با یکدیگر را تنظیم می کند زیرشاخه حقوق خصوصی قرار می گیرد و در بسیاری از موارد که مربوط به روابط تجاری با دولت می باشد با حقوق عمومی ارتباط پیدا می کند.

در نظرگاه کلان حقوق تجارت دو بعد را در نظر می گیرد : تاجر و معاملات تجاری.

اعمال تجاری بطور کلی دو دسته اند : الف) معاملات تجاری تبعی (ماده ۳ قانون تجارت) ب) معاملات تجاری ذاتی (ماده ۲ ق.ت)

الف) معاملات تجاری تبعی : ماده ۳ ق.ت معاملات تجاری تبعی را به این صورت تصریح کرده است ؛

۱. کلیه معاملات بین تاجر و کسبه و صرافان و بانک ها

۲. کلیه معاملاتی که تاجر یا غیر تاجر برای حوائج تجاری خود به آنها مبادرت می نمایند

۳. کلیه که اجزا و خدمه و یا شاگردان تجاری برای ارباب خود انجام می دهند

۴. کلیه معاملات شرکت های تجاری

ب) معاملات تجاری ذاتی : ماده ۲ ق.ت بیان می دارد معاملات تجاری ذاتی از قرار ذیل است ؛

۱. خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره، اعم از اینکه در آن تصرفاتی شده باشد یا نشده باشد.

تحصیل : به معنای به دست آوردن است به هر طریقی که باشد، مانند: به ارث رسیدن، هبه کردن (بخشیدن مال به کسی)،

حیازت مباحات (به دست آوردن چیزهایی که مباح هستند، مانند صید ماهی)، خریدن و...

مال منقول : به اموالی گفته می شود که بدون ایجاد خرابی و به راحتی قابل نقل و انتقال هستند، مانند : میز، صندلی، کیف

، خودرو و...

در مقابل اموال غیر منقول به اموالی گفته می شود که قابل جا به جایی و نقل و انتقال نیستند مانند: زمین، خانه، درخت، در و پنجره به کار رفته در بنا و...

قصد فروش یا اجاره: این قصد باید در هنگام خرید یا تحصیل مال وجود داشته باشد، برای مثال اگر در هنگام خرید یک مال منقول مانند خودرو، قصد فروش وجود نداشته باشد و بعداً فرد قصد کند آن را بفروشد، طبق این بند عملیانش تجاری نخواهد بود.

تصرفات: اعمالی که مالک می تواند در مال خود انجام دهد برای مثال آن را تعمیر کند یا چیزی به آن اضافه یا از آن کم کند یا حتی آن را از صورتی به صورت دیگر درآورد. مانند اینکه خودروی خریداری شده را تعمیر کند و سپس بفروشد.

۲. تصدی بر حمل و نقل از راه خشکی ، آب یا هوا به هر نحوی که باشد...

تصدی: منظور فعالیت هایی است که برای انجام نیاز به مکان مخصوص، ابزار مورد نیاز و تعدادی کارمند دارد، مانند: دفاتر هواپیمایی، تعاونی ترمینال و... بنابراین عمل راننده ی تاکسی که نوعی حمل و نقل از راه خشکی است تجاری محسوب نمی گردد چون بصورت تصدی نیست.

۳. هر قسم عملیات دلالی ، حق العمل کاری و...

دلال: به فردی گفته می شود که دو طرف یک معامله را به هم معرفی می کند و طرف معامله پیدا می کند و صرفاً واسطه است و علی الاصول مسولیتی نیز ندارد.

حق العمل کار: مانند دلال طرف معامله پیدا می کند، معامله را به نام خود و به حساب دیگری انجام می دهد، تفاوت آن با دلال در این است که حق العمل کار صرفاً واسطه نیست و چون معامله به نام او انجام می شود و طرف معامله، خریدار یا فروشنده ی اصلی را نمی شناسد، در صورت ایجاد مشکل در معامله باید به حق العمل کار مراجعه کند، پس حق العمل کار در انجام معامله دارای مسولیت است. (توضیحات لازم به تفصیل شرح داده خواهد شد)

۴. تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد

کارخانه: مفهوم کارخانه بصورت سنتی منظور تاسیساتی است که در آن مواد اولیه تغییر شکل یافته و بصورت کالای جدید عرضه می شود، مانند: کارگاه های قالی بافی یا جاجیم بافی و...

۵. تصدی به عملیات حراجی

عملیات حراجی: در محل انبارهای عمومی که مواد اولیه و محصولات صنعتی و کشاورزی در آنها نگهداری می شود ، اموال به جای قیمت از پیش تعیین شده به شخصی فروخته می شود که بالاترین قیمت را برای آن پیشنهاد دهد.

۶. تصدی به هر قسم نمایشگاه های عمومی

نمایشگاه های عمومی: منظور غرفه هایی است که برای نمایشگاه های عمومی اجاره داده می شود.

۷. هر قسم عملیات صرافی و بانکی

عملیات صرافی: کار اصلی صراف ها تبدیل پول یک کشور به وجه رایج کشور دیگر است که از دیرباز عملی تجاری محسوب

می شود، در حال حاضر بانک ها قسمت عمده ی عملیات صرافی را در ایران انجام می دهند با این حال تعداد محدودی از اشخاص بطور مستقل به امور صرافی اشتغال دارند.

عملیات بانکی: هر نوع افتتاح حساب ، سپرده گذاری ، اعطای وام ، قبول یا نگهداری امانات از اشخاص حقیقی یا حقوقی و بسیاری دیگر از اعمال بانک ها را شامل می شود.

۸. معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر یا غیر تاجر باشد

معاملات برواتی: برات در واقع حواله ای است که در آن شخصی ، دستور پرداخت بدهی خود را به شخص ثالثی می دهد. معاملات برواتی از حیث اهمیتی که دارن چه بین تاجر باشد چه غیرتاجر، عملیات تجاری محسوب می شود.

۹. عملیات بیمه ی بحری و غیر بحری

عملیات بیمه: قانون تجارت ایران بصراحت هر نوع عملیات بیمه اعم از بحری و غیربحری را تجاری تلقی می کند.

حالا باید بدانیم تعریف عملیات بیمه چیست؟

« بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می کند در ازای پرداخت وجه یا وجوهی به شرکت بیمه در صورت وقوع حادثه، خسارت وارده را برای وی جبران نموده و وجه معینی را پرداخت نماید»

«متعهد : بیمه گر» «طرف تعهد : بیمه گذار» «وجهی را که به بیمه گر پرداخت می شود : حق بیمه» «آنچه را که بیمه می شود : موضوع بیمه می گویند»

۱۰. کشتی سازی و خرید و فروش کشتی و کشتیرانی داخلی یا خارجی و معاملات راجع به آنها.

– همانطور که بیان شد اعمال نام برده شده در ماده ۲ ق.ت، اعمال تجاری است و کسی که این اعمال را شغل معمولی خود قرار دهد تاجر نام دارد بنابراین ؛

تاجر: کسی است که شغل معمولی خود را انجام فعالیت های تجاری قرار می دهد.

– تفاوت های معاملات تجاری با فعالیت های تجاری : در بیان این تفاوتها باید گفت که معاملات تجاری جنبه ی اتفاقی

داشته و با یک بار انجام شدن تجاری واقع می شوند اما برعکس فعالیت های تجاری همانطور که از نامش پیداست جنبه ی مستمر دارند، به عبارت دیگر برای انجام معاملات تجاری داشتن مکان مخصوص، خدمه و تاسیسات ضرورت ندارد در حالی که فعالیت های تجاری مستلزم داشتن آنهاست.

معاملات تجاری مانند: صدور برات حتی اگر یک بار انجام شود

فعالیت های تجاری مانند: تصدی به حمل و نقل که استمرار شرط حتمی آن است.

اشخاص دو دسته اند ← حقیقی
 ← حقوقی

الف) اشخاص حقیقی: شخصیت حقیقی در واقع به آحاد افراد انسان اطلاق می شود.

شخصیت انسان با تولد او آغاز و با مرگش پایان می یابد، انسان از دوره ی تولد تا زمان مرگ از اهلیت برای دارا شدن حق برخوردار است، این نوع اهلیت در واقع شخصیت انسان را می سازد، فرد در دوره ی جنینی و پیش از تولد خود فاقد شخصیت مستقل است، بنابراین می توانیم برای او شخصیتی نسبی و اعتباری فرض کنیم، به همین خاطر است که فرد قبل از تولد نیز می تواند تحت شرایطی صاحب حق شود، برای مثال: حق ارث بردن جنین یا وصیت به نفع وی.

برای درک بهتر این مطلب باید به تعریف اهلیت بپردازیم

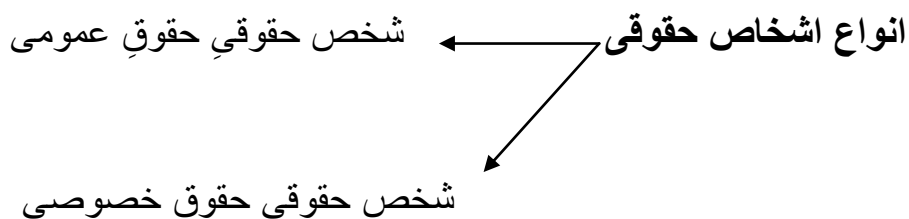
اهلیت: به معنای توانایی شخص است که خود دو نوع می باشد ← اهلیت تمتع
 ← اهلیت استیفاء

اهلیت تمتع: توانایی برخوردار شدن از حق را گویند، این اهلیت با زنده متولد شدن فرد آغاز و با مرگ او پایان می یابد و شامل تمام افراد بود و کسی از آن مستثنی نخواهد بود. مانند: حق مالکیت، که هر انسانی می تواند دارای آن باشد اما نکته اینجاست که آیا تمام افراد توانایی اجرا کردن این حق خود را دارند یا خبر؟ آیا یک فرد مجنون (دیوانه) می تواند خانه ای را که مالک آن است خرید و فروش کند و در آن تصرف مالکانه نماید؟

پاسخ به این سوالات در تعریف بعدی ما یعنی؛ اهلیت استیفاء است.

اهلیت استیفاء: به معنی توانایی اجرای حق است، یعنی فرد قابلیت و شایستگی آن را داشته باشد که بتواند حق خود را به مرحله ی اجرا درآورد، که نیاز به سه شرط اساسی دارد؛ ۱. **عقل** (بتواند بد و خوب امور را در حد متعارف تشخیص دهد، کسی که عاقل نباشد مجنون نام دارد) ۲. **بلوغ** (سن بلوغ در دختران ۹ سال تمام قمری و در پسران ۱۵ سال تمام قمری است، فردی که به سن بلوغ نرسیده باشد صغیر نام دارد) ۳. **رشید بودن** (منظور شخصی است که توانایی اداره کردن امور مالی خود را دارد، که در مقابل آن سفیه یا غیر رشید قرار دارد)

(ب) اشخاص حقوقی : نکته ای که باید بدانیم این است که شخص حقوقی یک انسان نیست، بلکه یک وجود اعتباری است که قانونگذار مانند انسان ها برای آن شخصیت فرض کرده است و می تواند از تمام حقوق و تکالیفی یک شخص حقیقی برخوردار باشد به استثنای حقوقی که مختص انسان است مانند: حق حضانت (سرپرستی کودک) یا حق زوجیت ...



۱. شخص حقوقی حقوق عمومی : به موجب قوانین خاص به وجود می آیند و به محض ایجاد بدون نیاز به ثبت دارای شخصیت حقوقی می شوند، مدت فعالیت آنها مقید به زمان خاصی نیست و بطور مستمر فعالیت دارند علاوه بر اینها با هزینه ی دولت اداره می شوند و سود حاصل از فعالیت آنها به خزانه ی دولت تعلق می گیرد. مانند: وزارتخانه، دانشگاه ها، شورای شهر و روستا و...

۲. شخص حقوقی حقوق خصوصی : پیدایش شخصیت آنها پس از به ثبت رسیدن است، فقط می توانند تا تاریخ انحلال فعالیت کنند نه بطور مستمر، خدمات آنان متعلق به عموم مردم است و منافع حاصل از آن برای ارگان ها یا سازمان های خاص است. مانند : موسسات آزاد علمی، مدارس غیرانتفاعی، شرکت های تجاری و...



« شرکت های تجاری »

شرکت های تجاری اشخاص حقوقی هستند که به امور تجاری می پردازند، شرکت تجاری قراردادی است که به موجب آن یک یا چند شخص با یکدیگر توافق می کنند، سرمایه مستقلی که جمع آورده های آنان را تشکیل می دهد به موسسه ای برای انجام مقصود خاصی اختصاص دهند و در منافع یا زیان های احتمالی آن با یکدیگر سهیم باشند.

« انواع شرکت های تجاری »

شرکت های تجاری بر اساس میزان مسئولیت شرکا به چهار گروه تقسیم می شوند؛

۱- **شرکت های سرمایه ای** : در اینگونه شرکت ها شخصیت افراد مورد توجه قرار نمی گیرد چون هدف آنان بدون توجه به شخصیت شرکا جمع آوری سرمایه است ، بنابراین در این شرکت ها مسئولیت افراد محدود به سرمایه آنهاست به همین دلیل سهم در این شرکت ها به راحتی قابل نقل و انتقال است .
مانند: شرکت های سهامی (عام و خاص) ، شرکت ها با مسئولیت محدود


۲- **شرکت های شخصی** : در این شرکت ها شخصیت شرکاء بسیار اهمیت دارد و مسئولیت ها و اختیاراتشان بستگی به سرمایه آنها ندارد، زیرا شخصیت در این شرکت ها بسیار دارای اهمیت است به همین دلیل نقل و انتقال سهم مشارکت ممنوعیت و محدودیت هایی دارد .
مانند: شرکت های تضامنی و نسبی

۳- **شرکت های مختلط** : در اینگونه شرکت ها مسئولیت برخی از شرکاء محدود به سرمایه آنان است و مسئولیت عده ای دیگر نامحدود است که شرکاء دسته اول را شرکاء عادی و شرکاء دسته دوم را شرکاء ضامن می گویند .
مانند: شرکت های مختلط سهامی و غیرسهامی

۴- **شرکت های تعاونی** : این شرکت ها با هدف رفاه اعضاء تشکیل می شوند، تعداد شرکاء زیاد بوده، سوددهی و میزان سرمایه زیاد نیست و لذا مسئولیت خاصی ندارند .
مانند: شرکت های تعاونی تولید و ...

« شرکت های سهامی »

ارکان شرکت های سهامی



الف) اساسنامه ب) مجمع عمومی ج) هیأت مدیره د) مدیر عامل ه) بازپرس یا بازپرسان و) سهام

الف) اساسنامه ← یکی از مهمترین ارکان شرکت های سهامی می باشد، دربرگیرنده ی وظایف و اختیارات اعضاء شرکت ، هیأت مدیره، بازرسان و مجامع عمومی است و همچنین نشانگر مقررات و رویه های اجرایی شرکت می باشد. بطور کلی می توان گفت اساسنامه طرح و اساس شرکت های سهامی است.

ب) مجمع عمومی ← مجمع عمومی از اجتماع صاحبان سهام شرکت تشکیل می شود، مجمع عمومی به عنوان بالاترین مرکز قدرت شرکت در تمام زمینه ها صاحب اختیار می باشد و در خصوص سرنوشت، نحوه فعالیت، شیوه ی اداره و انحلال آن در چارچوب مقررات ق.ت و اساسنامه تصمیم گیری می کند.

ج) هیأت مدیره ← اداره امور هر شرکت بر عهده هیأت مدیره می باشد، اعضای آن از بین صاحبان سهام انتخاب می شوند و مدت خدمت آنها بسته به مدت قید شده در اساسنامه ی شرکت می باشد که در هر صورت نباید از دو سال تجاوز کند.

د) مدیر عامل ← هیأت مدیره می بایست یک شخص حقیقی از بین اعضاء خود یا از خارج به عنوان مدیر عامل انتخاب نمایند، مدیر عامل نمی تواند بطور همزمان رئیس هیأت مدیره شرکت نیز باشد. مدیر عامل شرکت در حدود اختیاراتی که از طرف هیأت مدیره به او داده می شود قدرت عمل دارد و از طرف شرکت حق امضاء خواهد داشت. هیچکس نمی تواند بطور همزمان مدیر عامل بیش از یک شرکت باشد.

ه) بازرس ← به منظور نظارت بر اعمال هیأت مدیره و همچنین امور جاری شرکت همه ساله افرادی به عنوان بازرس یا بازرسین در مجامع عمومی برای مدت یک سال انتخاب می شوند که انتخاب مجدد آنان بلامانع است.

و) سهام ← سهم قسمتی از سرمایه شرکت های سهامی است که میزان اختیارات، مشارکت و منافع صاحب آن را در شرکت مشخص می کند. در واقع سرمایه هر شرکت سهامی به قطعات مساوی تقسیم می شود که به هریک از آنها سهم گفته میشود.

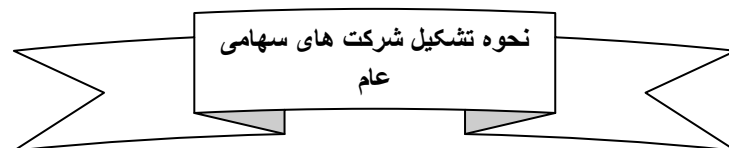
سهام به سه نوع تقسیم می شود ←
سهام بانام
سهام بی نام
سهام ممتاز

۱- **سهام بانام** : در سهام بانام، نام صاحب سهام در برگه سهام ذکر شده است و نقل و انتقال آن باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال دهنده یا وکیل وی باید موضوع را در دفتر مزبور امضاء و تایید نمایند.

۲- **سهام بی نام** : سندی در وجه حامل است که نام دارنده آن در برگه سهام ذکر نشده است در نتیجه انتقال آن به راحتی نقل و انتقال اسکناس است.

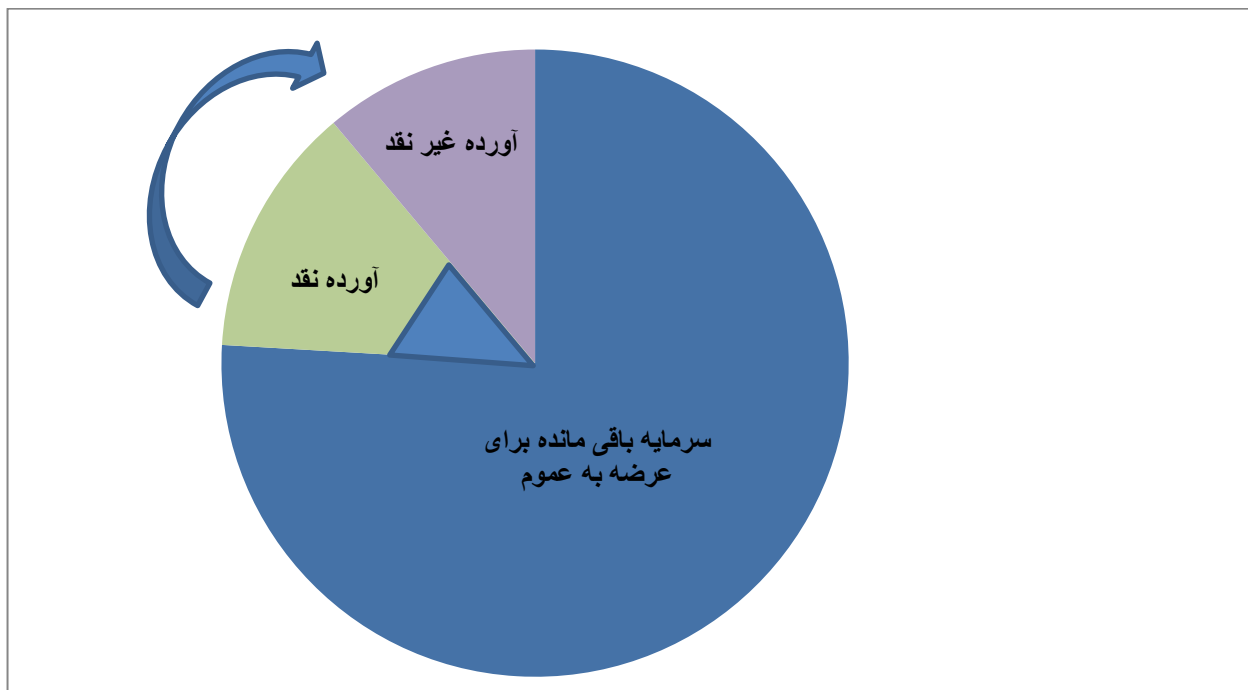
۳- **سهام ممتاز**: سهام شرکت ها اصولاً عادی است و از لحاظ حقوق و مزایا یکسان می باشد، اما در صورتی که برای برخی از سهام امتیاز خاصی در نظر گرفته شده باشد به آن سهام ممتاز گفته می شود.

به عنوان مثال در اساسنامه شرکت مقرر می شود که در تقسیم منافع سود بیشتری به سهام ممتاز تعلق بگیرد تا از این طریق افراد خاصی که مدنظر شرکت است تشویق به حضور در شرکت شوند.



- اولین الزام قانونی آن است که مقداری از سرمایه باید توسط موسسین تأمین گردد، حداقل سرمایه ای که باید موسسین آن را تأمین کنند ۲۰ درصد کل سرمایه شرکت است ، باید توجه داشت این ۲۰ درصد هم شامل آورده نقد (وجه نقد) و هم شامل آورده غیرنقد (مانند: ملک، زمین، خودرو و...) می باشد، در این صورت باید ۳۵ درصد از آورده نقد را در حسابی به نام شرکت در شرف تاسیس نزد یکی از بانک ها تودیع نمایند ، آورده غیرنقد باید بطورکلی تادیه شود و در اختیار شرکت قرار گیرد، در خصوص آورده غیرنقد تعهد به پرداخت پذیرفته نمی شود.

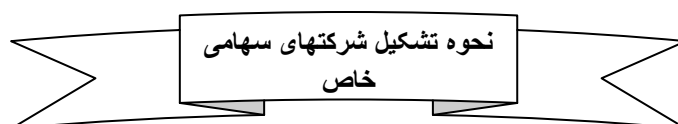
- الزام بعدی این است که باقی سرمایه نیز جهت تأمین بصورت سهام ، به عموم عرضه گردد، عرضه سهام به عموم از طریق نشر آگهی می باشد. نشر آگهی مخصوص شرکت های سهامی بوده و در هیچ یک از شرکت های دیگر حتی شرکت سهامی خاص چنین اقدامی را نخواهیم داشت.



- پس از اجرای موارد فوق مجمع عمومی تشکیل می شود، این مجمع پس از تصویب اقدامات موسسین، اساسنامه ی شرکت را تصویب می نماید و اولین مدیران و بازرسان را انتخاب میکند، همچنین باید بدانیم مدیران و بازرسان کتبا باید

قبول سمت نمایند، پس از طی این مراحل و ثبت شرکت شخصیت حقوقی جدیدی تحت عنوان شرکت سهامی عام به وجود می آید.

تعداد سهامداران در سهامی عام حداقل ۵ نفر است و حداکثر آن نامحدود است. موضوع در شرکت های تجاری سهامی محتمل است تجاری یا غیرتجاری باشد، شرکت های سهامی چه عام و چه خاص حتی اگر فعالیت تجاری انجام ندهند باز هم قانونگذار آنها را تجاری قلمداد کرده است.



برای تاسیس چنین شرکتی باید در هنگام تشکیل شرکت تمام سرمایه توسط موسسین تأمین شود بنابراین عرضه به عموم امکان پذیر نیست.

تعداد اعضای آن حداقل ۳ نفر و حداکثر نامحدود است.

در این شرکت ها سرمایه به سهام تقسیم می گردد اما باید توجه داشت برخلاف شرکت های سهامی عام که مبلغ اسمی آن نمیتوانست بیش تر از هزار تومان باشد در سهامی خاص محدودیتی وجود ندارد و هر مبلغی می تواند باشد.

نقل و انتقال سهام این شرکت ها به سادگی شرکت های سهامی عام نیست و نیاز به قبولی مدیران شرکت دارد.

«انحلال شرکت های سهامی»

شرکت های سهامی عام و خاص در موارد ذیل منحل می شوند :

۱- هنگامی که موضوع شرکت سرانجام یابد یا اینکه انجام آن غیر ممکن باشد

۲- چنانچه مدت تعیین شده برای فعالیت شرکت تمام شده باشد مگر اینکه قبل از خاتمه مدت آن تمدید شود

۳- در صورت ورشکستگی

۴- در صورت موافقت مجمع عمومی فوق العاده (به مجمعی گفته می شود که در مواقع بحرانی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی نباشد تشکیل می شود و در خصوص امر پیش آمده تعیین تکلیف می کند)

۵- حکم قطعی دادگاه صالح

